تعبیه کند تا می را بدان لعبدانند و صافی را از درد جدا
گردانند هر آینه حاصل گرداند آن بوسیدن مران شخص را
اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده که مقتضای شرب آن
مروزه مداومت بر ورزت چون خود و سخا و حلم و حیا
و غیرها رباعی ای ساده که راه هوشیاران گیرد ؛
و ز جهل طریق توبه کاران گیرد ؛ سرپوش سبوی می اگر بوسه
زند ؛ خاصیت خوی میکساران گیرد رباعی ای ساده
که ساخت طبع مقبل او ؛ خاکی در میخانه ما منزل او ؛
خشت لب خم را با دب بوسه زند ؛ سر دل خم رخت
فرو بر دل او ؛ و می شاید که بنا بر بدین استعداد و قابلیت
بعدم انتساب باید اما هنوز آن معرفت و محبت از
قوت بفعل نرسیده باشد و از بطون بظهور نیامده
و بدین سبب بجهل و بلاهت موسوم گردد و مراد بغلام
کامل باشد که دهان بند خم محبت و سرپوش معرفت
و تمیز میکند میان آنچه لایق استعداد مرید صادق و محب عاشق

عاشق است از حقایق محبت و دقایق معرفت و مبالغ
آنچه لایق استعداد و همت لایق را بوی میرساند و از
نالایق نگاه میدارد و پس حاصل معنی آن شود که اگر مرید
مستعدی که هنوز از اسرار محبت و انوار معرفت در وی
بظهور نه پیوسته باشد بپای بوس عارف کامل و محب
واصل هر آینه حاصل شود بیمن خدمت و برکت صحبت
آن کامل هر چه در استعداد آن بوده باشد از اسرار
محبت و انوار معرفت رباعی ای دل اگر عاقلی به پاکان
کوش ؛ وا لکن زره رسم هوسناکان جوش ؛ خواهی که ز
آلایش خود پاک شوی ؛ زنهار متاب از قدم پاکان روی
وقال قدس سره یقولون لی صفها و انت بوصفها خبیر اجل
عندی باوصافها علم ؛ صفاء و لا ماء و لطف و لا هواء ؛
و نور و لا نار و روح و لا جسم اجل بمعنی نعم است یعنی
آری و لا فی قوله و لا ماء و اخواته بمعنی لیس
و خبرها محذوف ای المدامة صفاء و لیس هناک ماء فلا هواء

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)